

صلاحیت افراطی در تعارض دادگاهها

رضا مقصودی*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۶/۱۴)

چکیده

نبود ارتباط کافی میان دادگاه و دعوی مطرح شده، سبب اصلی ایجاد صلاحیت افراطی است. برخی قواعد صلاحیت از قبیل دادگاه محل وقوع قرارداد در بستر تاریخی، به ویژه در اثر تحول وسایل ارتباطی، مبنای منطقی خود را از دست داده‌اند. به دلیل منافع سیاسی از جمله حمایت از اتباع دولت محل دادگاه، با وجود هم‌گرایی فزاینده کشورها همچنان قواعد غیرمنصفانه صلاحیت افراطی پابرجا مانده است. در فرانسه صلاحیت افراطی مبتنی بر تابعیت، حفظ شده و در سایه اجرای آیین‌نامه اروپایی بروکسل یک، گسترش فوق‌العاده‌ای یافته است. در ایالات متحده آمریکا نیز دادگاهها با تفسیر موسع از معیار حداقل تماس، اعمال صلاحیت‌های افراطی ناشی از عبور یا توقیف اموال را توجیه می‌نمایند. بازنگری در قواعد صلاحیت بر مبنای ضرورت ارتباط میان دعوی و مرجع رسیدگی و نیز انعقاد معاهدات بین‌المللی، روابط خصوصی بین‌المللی را از تلاطم تصمیمات مبتنی بر اغراض سیاسی مصون نگه می‌دارد و ضمن حفظ حقوق همه اصحاب دعوی، موجبات انجام دادرسی عادلانه را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی

تابعیت، دادرسی منصفانه، صلاحیت توقیفی، صلاحیت عبوری.

۱. مقدمه

صلاحیت، یکی از مباحث مهم در تعارض دادگاه‌ها و حقوق بین‌الملل خصوصی است. منظور از صلاحیت بین‌المللی در این مقاله، صلاحیت دادگاه‌های یک کشور در مقابل دادگاه‌های کشورهای دیگر است. انواع دیگر صلاحیت که به‌عنوان صلاحیت تقنینی و صلاحیت اجرایی خوانده می‌شود، در قلمرو این مقاله قرار نمی‌گیرد. تعیین و تشخیص دادگاه صلاحیت‌دار اولین گام در فرایند حل و فصل قضایی اختلافات است. قواعد صلاحیت جزء حقوق داخلی کشورهاست. غیر از مسائل محدودی از قبیل مصونیت قضایی نمایندگان سیاسی و کنسولی که در معاهدات بین‌المللی ریشه دارند، سایر قواعد صلاحیت از سوی نهادهای حقوق داخلی هر کشور وضع و اعمال می‌شود. سنت‌های تاریخی، ضرورت‌های اجتماعی و مصالح سیاسی در هر قلمرو جغرافیایی باعث شده است که دولت‌های مختلف از قواعد گوناگون برای اعمال صلاحیت قضایی استفاده کنند.

در وضع قواعد صلاحیت، به ملاحظات مختلف از جمله منافع اشخاص خصوصی، حاکمیت اراده، منافع عمومی و مصالح دولت‌ها توجه می‌شود. امکان انجام دادرسی منصفانه از نظر دسترسی به شهود و سایر ادله اثباتی، جلوگیری از ایجاد تراکم دعوی، اتلاف وقت و هزینه دستگاه قضایی در راستای رسیدگی به دعوی‌ای که ارتباطی با محل دادگاه ندارد و سرانجام حمایت از سکنه و اتباع دولت محل دادگاه در مقابل سیستم‌های قضایی خارجی موجب ترکیب منافع متعارض شده است و هر دولتی بنا به صلاحدید خود به ایجاد تعادل میان آن‌ها مبادرت کرده است.

هدف مقررات در بحث صلاحیت باید نزدیک کردن هرچه بیشتر قاضی به قضاوت‌شونده از نظر محلی باشد (شمس، ۱۳۸۰، ص ۳۹۵). در واقع همه قواعد صلاحیت باید بر اساس ارتباط میان سبب دعوی یا اصحاب دعوی با مرجع رسیدگی باشد، اما تعیین مقدار ارتباط لازم برای توجیه اعمال صلاحیت مورد اختلاف کشورهاست. ضعف ارتباط میان دعوی و محل دادگاه موجب ایجاد قواعد افراطی صلاحیت می‌شود. صدور رای بر مبنای قواعد افراطی به معنای آن است که از دیدگاه کشورهای دیگر، دادگاه صادرکننده رای صلاحیت رسیدگی به دعوی را نداشته است.

مفهوم صلاحیت در حقوق بین‌الملل خصوصی بر مسئله شناسایی رای دادگاه در خارج از کشور صادرکننده تأثیر می‌گذارد. صلاحیت دادگاه خارجی صادرکننده رای در کشورهای مختلف طبق قواعد کشور محل شناسایی احراز می‌شود. در انگلیس و آمریکا صلاحیت دادگاه صادرکننده رای بر اساس موازین کامن‌لا، مهم‌ترین شرط شناسایی و اجرای احکام خارجی است (الماسی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸). حکم خارجی در ایران نیز در صورتی قابل اجراست که دادگاه

صادرکننده برابر قانون ایران صلاحیت رسیدگی به موضوع دعوی را داشته باشد (کریم‌کاشی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹). ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی به صراحت به شرط صلاحیت دادگاه خارجی اشاره نکرده است و صرفاً در صورتی که موضوع در صلاحیت اختصاصی دادگاه ایران باشد، رای دادگاه خارجی را غیرقابل اجرا اعلام کرده است.

این مقاله با شناخت مفهوم و مصادیق صلاحیت افراطی، انواع صلاحیت‌های افراطی را در حقوق ایالات متحده آمریکا، فرانسه، اتحادیه اروپا و ایران بررسی می‌کند.

۲. مفهوم صلاحیت افراطی

قواعد افراطی در داخل سیستم‌های حقوقی پذیرفته و معتبر هستند، اما به دلیل مبانی و جهات مورد استفاده نسبت به اتباع بیگانه غیرمتعارفاند. این قواعد به این دلیل غیرمتعارف شمرده می‌شوند که دادگاه مشغول رسیدگی ارتباط کافی با طرفین دعوی، اوضاع و احوال دعوی، سبب یا موضوع دعوی و ... ندارد (Grossi, 2012, p.627).

خواننده باید تنها در محلی از خود دفاع کند که دعوی با آن محل به اندازه کافی مرتبط باشد (Magnus, 2007, p.7). ترجیح اقامتگاه خواننده به عنوان مبنای صلاحیت به آن دلیل است که خواننده در آنجا آسان‌تر می‌تواند از خود دفاع کند. اگر خواننده در دادگاهی غیر از محل اقامت خود تحت تعقیب قرار گیرد، باید قراینی وجود داشته باشد که او از امکان دادرسی در آن محل آگاه بوده، فعالیت‌هایی را در قلمرو آن کشور انجام داده یا اینکه تماس وی با آن کشور چنان بوده است که اعمال صلاحیت به وسیله دادگاه آن کشور غیرمنصفانه نباشد. به طور خاص از دیدگاه دیوان عالی آمریکا برای اعمال صلاحیت شخصی علیه خواننده در صورت حضور نداشتن وی در قلمرو محل دادگاه، او باید حداقل تماس‌هایی با آن محل داشته باشد، به نحوی که ادامه دادرسی تخطی از مفاهیم سنتی عدالت و انصاف شمرده نشود. دیگر اینکه فعالیت‌ها یا تماس‌های وی با آن ایالت باید مرتبط با دعوی و یا چنان مستمر، اساسی و منظم باشد که گویی خواننده در آن ایالت اقامت دارد. در نهایت، اعمال صلاحیت باید متعارف باشد (Grossi, 2012, p.666).

صلاحیت سرزمینی افراطی شامل دسته‌هایی از قواعد صلاحیت است که اگرچه به طور معتبر بر اساس قواعد یک کشور اجرا می‌شود، اما اعمال آن به دلیل نبود ارتباط مهم میان حاکمیت و موضوع دعوی، نسبت به خواننده غیرمنصفانه است. تأکید بر قدرت صلاحیت سرزمینی در ایالات متحده و نیز حقوق رومی-ژرمنی بر نقش انصاف در فرایند دادرسی، به تحدید قواعد صلاحیت منجر شده، اما نتوانسته است این دو سیستم را از اعمال قواعد افراطی و منافع احتمالی ناشی از آن برحذر دارد (Clermont, 2006, p.474).

اگرچه جزئیات قواعد افراطی صلاحیت در بین کشورها متفاوت است، مبنای اصلی و مشترک همه قواعد افراطی، بی‌توجهی به منافع خواننده برای اعطای حق دادرسی به اتباع دولت مقرر دادگاه است. اما همه مسئله صلاحیت افراطی، بی‌توجهی به منافع خواننده دعوی یا تمرکز بر منافع سیاسی نیست. به طوری که هرگونه صلاحیت دارای مبانی توجیهی غیرمتعارف می‌تواند به‌عنوان صلاحیت افراطی شمرده شود.

می‌توان از این تعریف ذهنی فراتر رفت و تعریفی عینی ارائه کرد. مسئله این است که آیا دسته خاصی از قواعد صلاحیت به دلیل نبود ارتباط میان حکومت و طرفین دعوی یا موضوع دعوی غیرمنصفانه به‌شمار می‌روند یا خیر؟ زمانی صلاحیت افراطی خواهد بود که دادگاه مشغول رسیدگی ارتباط کافی با طرفین دعوی، اوضاع و احوال دعوی، سبب یا موضوع دعوی نداشته باشد یا از توجه کافی به اصل اجرای صحیح عدالت^۱ خودداری نماید (Clermont, 2006, p.476).

می‌توان در تعریف صلاحیت افراطی از منابع حقوق بین‌الملل عمومی استفاده کرد. از دیدگاه پروفیسور مان، باید به رویه دولت‌ها و اصول کلی حقوقی مورد پذیرش ملل متمدن توجه کرد. حقوق بین‌الملل عمومی با توجه به نوع ارتباط اصحاب دعوی با کشور محل دادگاه، به وضع برخی مبانی صلاحیت می‌پردازد به این ترتیب، با تعیین قلمرو اعمال حقوق بین‌الملل خصوصی، اعمال قواعد در خارج از این قلمرو افراطی شمرده می‌شود (Mills, 2009, p.234).

تئوری‌های صلاحیت در حقوق بین‌الملل عمومی عمدتاً بر مبنای دو تلقی سرزمینی بودن و شخصی بودن صلاحیت استوار شده است. اما این تئوری‌ها و تفسیرها چنان گسترده‌اند که در عمل هیچ ادعای صلاحیتی را نفی نکرده، آن را افراطی نمی‌دانند. اصل این است که هرآنچه در قواعد بین‌الملل عمومی به‌صراحت نفی نشده است، مجاز محسوب می‌شود. خصوصاً نکته قابل توجه این است که بسیاری از ملل متمدن خود در صف اول اعمال قواعد افراطی صلاحیت هستند. از این رو، تعریف پروفیسور مان در جهان کنونی بیشتر یک آرزوست تا اینکه بازتاب واقعیت روابط بین‌المللی باشد.

بند ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اروپایی بروکسل یک، درباره صلاحیت و شناسایی و اجرای احکام به‌طور صریح اجرای برخی قواعد ملی صلاحیت را منع کرده است.^۲ ضمیمه یک آیین‌نامه بروکسل یک نیز اعمال قوانین ملی زیر را به‌عنوان نوعی صلاحیت افراطی ممنوع اعلام می‌کند:

1. Proper Administration of Justice

2. Article 3

1. Persons domiciled in a Member State may be sued in the courts of another Member State only by virtue of the rules set out in Sections 2 to 7 of this Chapter. 2. In particular the rules of national jurisdiction set out in Annex I shall not be applicable as against them

ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی آلمان، ماده ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی فرانسه، ماده ۱۵ قانون مدنی بلژیک، بند ۳ ماده ۱۲۶ و ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی هلند، حضور موقت خواننده یا توقیف اموال خواننده در کشور انگلیس^۱. پروتکل تکمیلی کنوانسیون احکام لاهه مصوب ۱۹۷۱م در ماده ۴ فهرستی از مبانی صلاحیت را برمی‌شمرد که بند یک ماده ۲ اجرای آن را ممنوع می‌داند (Gottschalk, 2007, p.32).

۳. صلاحیت افراطی در ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده همه قواعد صلاحیت باید در بالاترین سطح با شرط فرایند صحیح^۲ مندرج در اصلحیه قانون اساسی^۳ منطبق باشد. این شرط متضمن رعایت همه حقوق اشخاص از سوی دولت است و مقرر می‌دارد که دولت باید از قانون اطاعت کند، به شیوه‌ای متعارف رفتار نماید و برای محدود کردن زندگی و آزادی و نیز اموال اشخاص از دادرسی منصفانه استفاده کند. این شرط با تمرکز بر منافع خواننده به یک محدودیت کلیدی بر اعمال صلاحیت شخصی از سوی دادگاه تبدیل شده است. از دیدگاه دیوان عالی ایالات متحده شرط فرایند صحیح تنها محدودیت دادگاه برای اعمال صلاحیت شخصی بر روی خواننده خارج از ایالت است و در این شرط، مقتضی آن است که خواننده‌ای که در قلمرو محل دادگاه حاضر نیست باید حداقل تماس‌های خاصی با محل دادگاه داشته باشد تا ادامه دادرسی تخطی از مفاهیم عدالت و انصاف نباشد (Parrish, 2006, p.3). در توصیف شرط فرایند صحیح چنان مبالغه شده است که آن را نقطه شروع و پایان هرگونه تحلیل صلاحیتی می‌دانند. اما تحلیل قضایی از شرط فرایند صحیح و معیار حداقل تماس چنان گسترده است که استفاده از آن‌ها برای محدود کردن صلاحیت‌های افراطی بی‌فایده است (Grossi, 2012, p.679).

پیش از بررسی مصادیق صلاحیت افراطی لازم است به صلاحیت اختیاری در حقوق ایالات متحده که بر اساس قواعدی از قبیل دکترین دادگاه نامناسب^۴ و فروم شاپینگ^۵ اعمال می‌شود، توجه گردد و ارتباط آن با مقاله حاضر تبیین شود. صلاحیت اختیاری به این معناست که هیچ‌یک از قواعد صلاحیت برای مرجع رسیدگی جنبه الزامی ندارد و در صورتی که دادگاه

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص مصادیق صلاحیت افراطی در ضمیمه یک آیین‌نامه بروکسل یک ر.ک.

<http://curia.europa.eu/common/recdoc/convention/en/c-textes/2001r0044.htm>

2. Due Process Clause

3. Nor shall any State deprive any person of life, liberty or property without due process of law

4. Forum non conveniens

5. Forum shopping

دیگری از حیث رعایت مصالح عمومی و منافع خصوصی در موقعیت بهتری برای دادرسی در این دعوی باشد، مرجع رسیدگی می‌تواند از ادامه رسیدگی خودداری نماید. یکی از اهداف اصلی قاعده اختیاری بودن صلاحیت، جلوگیری از پذیرش آن دسته از دعاوی است که خواهان‌های خارجی در دادگاه‌های ایالات متحده علیه خوانندگان امریکایی مطرح می‌کنند و در پی استفاده از مزایای سیستم حقوقی امریکا از جمله خسارت تنبیهی علیه اتباع امریکایی هستند (Jerker, 2007, p.151). صلاحیت افراطی در نقطه مقابل این کارکرد قرار دارد. هدف اصلی صلاحیت افراطی گسترش و توسعه صلاحیت حتی نسبت به آن دسته از دعاوی است که ارتباط چندانی با محل دادگاه ندارد. بنابراین در عمل این نوع صلاحیت برای حمایت از خواهان که تبعه ایالات متحده است، در مقابل خوانندگان خارجی استفاده می‌شود.

صلاحیت عبوری یا برجسی و صلاحیت توقیفی دو مصداق رایج صلاحیت افراطی در ایالات متحده است که از نظر کشورهای دیگر نامناسب و غیرمتمدانه به‌شمار می‌آید.

۳.۱. صلاحیت عبوری^۱

صلاحیت عبوری یا صلاحیت برجسی^۲ صرفاً بر حضور خواننده در قلمرو محل دادگاه استوار است. کافی است که دعوی به خواننده با رعایت تشریفات قانونی در داخل قلمرو محل دادگاه ابلاغ شده باشد. حتی حضور زودگذر و آنی خواننده موجب اعمال صلاحیت قضایی نسبت به ادعایی است که مطلقاً با حضور خواننده مرتبط نیست. بر اساس برخی آرای دادگاه‌ها، ابلاغ به خواننده در حال پرواز بر روی ایالت موجب ایجاد صلاحیت می‌شود (Clermont, 2006, p.477).

در دعوی موسوم به برنهام^۳، زوجین در نیوجرسی از یکدیگر جدا شدند و سپس زن و بچه‌ها به کالیفرنیا کوچ کردند. زن در دادگاه کالیفرنیا به خواسته طلاق و نفقه اقامه دعوی کرد و در حالی که مرد برای انجام کار تجاری و ملاقات بچه‌ها مسافرتی کوتاه به کالیفرنیا داشت، این دعوی به او ابلاغ شد. دادگاه کالیفرنیا بر اساس همین حضور موقت خواننده در محل دادگاه به رسیدگی پرداخت و همین مقدار ارتباط خواننده را برای تحقق شرط فرایند صحیح کافی قلمداد کرد. ۹ قاضی با استدلال متفاوت ولی نتیجه واحد، ابراز داشتند که دادگاه بر روی خواننده فاقد سکونت که فقط سه روز در قلمرو دولت محل دادگاه حاضر بوده و فعالیت‌های بی‌ارتباط با موضوع دعوی داشته، واجد صلاحیت است. قضات دیوان عالی چنان تحلیل وسیعی از معیار حداقل تماس ارائه می‌دهند که اشخاص به‌طور موقت حاضر در قلمرو امریکا

1. Transient Jurisdiction

2. Tag Jurisdiction

3. Burnham v. Superior Court of Cal., 495 U.S. 604, 618 (1990)

همیشه حداقل تماس ضروری را با محل دادگاه برای توجیه اعمال صلاحیت عبوری دارند (Grossi, 2012, p.679).

از ایجاد صلاحیت عام بر مبنای عبور خواننده در محافل دانشگاهی و نیز در کشورهای دیگر به‌طور گسترده انتقاد شده است؛ به‌طوری که آن را غیرسودمند و مغایر با استانداردهای بین‌المللی می‌دانند. این نوع صلاحیت قابلیت پیش‌بینی را از خواننده سلب می‌کند. اینکه خواننده واقعاً انتظار تعقیب و دادرسی در دادگاه کشوری را دارد که به‌طور موقت از آن بازدید کرده و اقدامات بی‌ارتباط با موضوع دعوی انجام داده، به‌شدت تردیدبرانگیز است. این نوع صلاحیت که در گذشته مهم‌ترین مبنای صلاحیت در ایالات متحده بود، امروزه تنها زمانی اعمال می‌شود که همه مبانی دیگر صلاحیت غیرقابل اعمال باشد. این شرط برای اعمال صلاحیت عبوری در اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی که از سوی مؤسسه حقوق آمریکا و مؤسسه یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی تدوین یافته، پذیرفته شده است. برابر بند ۲ ماده ۲ اصول یادشده، هرگاه به‌طور متعارف هیچ دادگاه خارجی دیگر در دسترس نباشد، صلاحیت را با توجه به موارد زیر می‌توان توسعه داد:

- نسبت به خواننده‌ای که در کشور مقر دادگاه حضور داشته یا اینکه دارای تابعیت آن کشور باشد.

- در فرض وجود مالی از خواننده در کشور مقر دادگاه؛ صرف نظر از اینکه آن مال موجب این اختلاف بوده یا اینکه ارتباطی با آن نداشته باشد. در این صورت صلاحیت دادگاه باید محدود به این مال یا ارزش آن شود. برخی نویسندگان از این نوع صلاحیت به‌عنوان قاعده «دادگاه مورد نیاز» یاد کرده‌اند (غمامی، ۱۳۹۰، ص ۵۹). در این مقاله به‌عنوان صلاحیت اضطراری از آن نام برده شده است.

دیگر اینکه صلاحیت عبوری نسبت به اشخاص حقوقی قابلیت اعمال ندارد. این مبنا گاهی برای تعقیب اتباع بیگانه در ایالات متحده استفاده می‌شود؛ مگر اینکه رای صادره در کشورهای خارجی قابل شناسایی و اجرا نباشد (Clermont, 2006, p.478).

از دیدگاه برخی قضات ایالات متحده، صلاحیت عبوری یادگار دوران پیش از ایجاد معیار حداقل تماس در رویه قضایی است و در آن زمان هیچ تئوری‌ای که جایگزین حاکمیت سرزمینی باشد، وجود نداشته است. قاعده صلاحیت عبوری توسعه افراطی حاکمیت سرزمینی است. بیشتر انتقادات به این قاعده به آن دلیل است که دادگاه هیچ ارتباطی با خواننده یا موضوع دعوی ندارد (Grossi, 2012, p.682).

بسیاری از پژوهشگران برای مقابله با نتایج نامطلوب اجبار خواننده به دادرسی در یک دادگاه نامناسب، استفاده از دکتین دادگاه نامناسب به همراه اعمال شرط متعارف بودن صلاحیت را پیشنهاد می‌کنند (Grossi, 2012, p.681-682).

۳.۲. صلاحیت توقیفی^۱

خواهان از طریق توقیف اموال خواننده در ایالت نیویورک در پی ایجاد صلاحیت برای دادگاه این ایالت راجع به خسارتی است که از تصادف رانندگی در ایالت دیگر حادث شده است. این نوع از صلاحیت در مواردی استفاده می‌شود که خواهان اموال خواننده را که با موضوع دعوی ارتباطی ندارد، توقیف می‌نماید و به این ترتیب، دعوایی شخصی - نه عینی - علیه خواننده در دادگاه محل توقیف اموال مطرح می‌کند (Clermont, 2006, p.479).

این نوع صلاحیت که شبه عینی^۲ خواننده می‌شود، در گذشته کاملاً سودمند بود. خواهان می‌تواند بر اساس اموال خواننده که در داخل یک کشور واقع است، از قبیل حساب بانکی، اقامه دعوی نماید. خواننده معمولاً غایب است و رای صادره به خواهان اجازه می‌دهد تا برای دریافت حقوق خود اموال خواننده را بازداشت کند. خواهان می‌توانست بعدها در صورت کمبود وجه حساب بانکی بر اساس صلاحیت شخصی یا صلاحیت توقیفی نسبت به اموال دیگر خواننده اقدام نماید. امروزه با توسعه صلاحیت شخصی و گسترش مفهوم اقامتگاه نیاز چندانی به این نوع صلاحیت نیست و دادگاه‌ها باید سوءاستفاده از این شکل قدیمی صلاحیت را کنترل نمایند. دیوان عالی در سال ۱۹۷۷م در دعوای موسوم به شافر^۳ تصریح نمود که این نوع صلاحیت باید واجد معیار متعارف بودن باشد. این متعارف نیست که دادگاه به یک ادعای کاملاً غیرمرتبط رسیدگی نماید صرفاً بر این مبنا که اندکی از اموال خواننده در حوزه دادگاه واقع است. ارتباط بیشتری باید وجود داشته باشد (از حیث رابطه کافی و مناسب میان دادگاه، طرفین و دعوی) تا دادگاه رسیدگی قضایی را منصفانه بداند. صرف مالکیت خواننده بر سهام یک شرکت واقع در یک ایالت برای تجویز دادگاه‌های آن ایالت نسبت به اعمال صلاحیت کفایت نمی‌کند (Grossi, 2012, p.682).

نتیجه دعوای شافر این است که اکنون صلاحیت توقیفی تنها در وضعیت‌های خاص استفاده می‌شود. خواهان مقیم اوهایو با توقیف زمین خواننده فرانسوی که در نیویورک واقع است، علیه او در نیویورک اقامه دعوی می‌کند. به این منظور که زیان‌های شخصی خود ناشی از تصادف رانندگی با خواننده را از وی مطالبه کند. با این فرض که هیچ دادگاه دیگری در

1. Attachment Jurisdiction
2. Quasi In Rem
3. Shaffer v. Heitner, 433 U.S. 186 (1977)

امریکا در این دعوی صلاحیت شخصی ندارد، صلاحیت توقیفی دادگاه نیویورک مجاز است، و این نمونه‌ای از صلاحیت اضطراری^۱ است که در آن دسترسی نداشتن به دادگاه دیگری در ایالات متحده موجب تحقق معیار متعارف بودن می‌شود (Clermont, 2006, p.480).

۴. صلاحیت افراطی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه اعمال صلاحیت بر مبنای تابعیت فرانسوی خواهان مهم‌ترین مصداق صلاحیت افراطی است.

۴.۱. اعمال ماده ۱۴ قانون مدنی

دادگاه‌های فرانسه ماده ۱۴ قانون مدنی را به‌عنوان تجویز صلاحیت سرزمینی بر روی هر دعوایی تفسیر می‌کنند که از سوی خواهان با تابعیت فرانسوی طرح شده باشد. بنابراین یک شخص فرانسوی با هر سببی از دعوی، اعم از اینکه حادثه موضوع دعوی مرتبط با فرانسه باشد یا خیر و صرف نظر از ارتباطات و منافع خواننده می‌تواند در دادگاه فرانسه اقامه دعوی نماید. در این وضعیت امکان سوءاستفاده از حق انتخاب دادگاه کاملاً وجود دارد.^۲

یکی از اتباع ایالات متحده در لندن در یک تصادف رانندگی موجب ورود خسارت به تبعه فرانسوی می‌شود. زیان‌دیده در پاریس علیه عامل ورود زیان اقامه دعوی می‌کند. صلاحیت دادگاه فرانسه برابر ماده ۱۴ قانون مدنی این کشور به‌عنوان یک نوع صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت پذیرفته شده است.

نویسندگان کشورهای دیگر بی‌عدالتی ناشی از این صلاحیت افراطی را نقد کرده‌اند. تهاجم به اصول حقوق بین‌الملل و بدنام‌ترین نوع میهن‌پرستی افراطی، اوصافی است که برای این نوع از صلاحیت شمرده شده است. سوءاستفاده از این نوع صلاحیت در کشور فرانسه علیه اتباع برخی کشورها از جمله ایالات متحده کاهش یافته است؛ به‌طوری که از دیدگاه برخی نویسندگان از جمله «جوانگر»، دادگاه‌های کشورهای اروپایی به‌ندرت علیه شهروندان و شرکت‌های امریکایی که فاقد حداقل تماس با محل دادگاه هستند، رای صادر می‌کنند (Clermont, 2006, p.486).

بر اساس ماده ۱۴ قانون مدنی فرانسه یک تبعه خارجی اگرچه ساکن فرانسه نباشد، ممکن است برای اجرای تعهداتی که در فرانسه یا حتی در خارج از فرانسه نسبت به یک فرانسوی

1. Jurisdiction by Necessity
2. Forum Shopping

منعقد کرده است، به دادگاه فرانسه احضار شود^۱. اگرچه ظاهر قانون فقط در خصوص تعهدات ناشی از قرارداد است، در عمل اعمال آن به قلمرو قراردادها محدود نمانده است.

این نوع از صلاحیت پیش از وضع قانون مدنی در سال ۱۸۰۴م وجود نداشت. انگیزه‌های مختلفی برای تصویب ماده ۱۴ قانون مدنی ذکر شده است. احتمال رویارویی اتباع فرانسوی با دادرسی غیرمنصفانه در خارج از کشور از جمله این انگیزه‌ها بود. در آن زمان همه اروپای خارج از فرانسه در جنگ با فرانسه بود. خارج از فرانسه هم از دید فرانسویان دنیای غیرمتمدن شمرده می‌شد. برای فرانسه دادرسی در خانه نزد قاضی فرانسوی ترجیح داشت و به‌طور طبیعی عادلانه به‌نظر می‌رسید.

برابر استدلال دیوان کشور فرانسه، این قانون برای حمایت از تجارت خارجی اتباع فرانسه طراحی شده است. از نظر دکتترین حقوقی فرانسه درهای دادگاه فرانسه همیشه بر روی اتباع فرانسه باز است؛ شاید به این دلیل که هیچ‌یک از دادگاه‌های خارجی تضمین کافی برای تحقق عدالت به او ارائه نمی‌کنند.

دادگاه‌های فرانسه ماده ۱۴ قانون مدنی را به صورت موسع تفسیر کرده‌اند؛ به‌طوری که کافی است در زمان اقامه دعوی شخص کنونی دارنده حق، تبعه فرانسه باشد. برای مثال اقامه دعوی از سوی بیوه دارای تابعیت فرانسه درباره مطالبات شوهر متوفای او پذیرفته شد؛ حتی اگر شوهر وی تبعه فرانسه نبوده و خود بیوه نیز در طول دوران ازدواج تابعیت فرانسوی نداشته باشد (Palmer, 2004, p.11).

۴.۲. عدم استفاده از ماده ۱۴ قانون مدنی

در عمل محدودیت‌های زیادی بر ماده ۱۴ قانون مدنی وارد شده است؛ اول اینکه اتباع فرانسوی معمولاً از استناد به صلاحیت مبتنی بر تابعیت خواهان خودداری می‌کنند، زیرا با وجود مبانی متعدد صلاحیت بین‌المللی در کشور فرانسه، اتباع فرانسوی نیازی به استناد به ماده ۱۴ ندارند. خصوصاً اینکه ماده ۱۴ قانون مدنی فرانسه نوعی صلاحیت افراطی محسوب می‌شود و بسیاری از کشورها از شناسایی و اجرای آرای مبتنی بر آن خودداری می‌کنند. به همین دلیل در بین مبانی گوناگون صلاحیت، خواننده خارجی ترجیح می‌دهد که رای بر مبنای ماده ۱۴ صلاحیت صادر شود؛ زیرا اجرای چنین رای‌هایی در خارج از فرانسه با مشکل روبرو می‌شود. دوم اینکه این

1. Article 14 En savoir plus sur cet article...

L'étranger, même non résident en France, pourra être cité devant les tribunaux français, pour l'exécution des obligations par lui contractées en France avec un Français ; il pourra être traduit devant les tribunaux de France, pour les obligations par lui contractées en France envers des Français.

ماده در خصوص اموال غیرمنقول خارج از کشور یا دعوی مستلزم تعقیب مأمورین دولت خارجی اعمال نمی‌شود. سوم اینکه این ماده درجایی که تبعه فرانسه از امتیاز استناد به آن صرف‌نظر کرده باشد، قابلیت اعمال ندارد. این انصراف می‌تواند پیشاپیش با درج شرط انتخاب دادگاه یا شرط داوری در متن قرارداد انجام شود یا اینکه پس از بروز اختلاف اتفاق بیفتد؛ برای مثال، تبعه فرانسه خود در کشور خارجی به اقامه دعوی بپردازد. چهارم اینکه این ماده در خصوص دعوی مشمول معاهدات معین که میان دولت فرانسه و برخی دولت‌های خارجی منعقد شده است، اعمال نمی‌گردد. در واقع آن معاهدات به‌عنوان یک حکم استثنایی از اجرای قاعده عام مندرج در ماده ۱۴ قانون مدنی جلوگیری می‌کند. پنجم اینکه در مواردی خواهان فرانسوی به دلایلی از جمله مناسب بودن دادگاه خارجی، ترجیح می‌دهد از مراجعه به دادگاه فرانسه خودداری نماید. ممکن است ادله اثباتی در کشور خارجی متمرکز، و دسترسی به آن ادله در کشور فرانسه دشوار باشد یا اینکه خواهان فرانسوی قواعد انتخاب قانون دادگاه خارجی را که از حیث اثبات دعوی و شیوه‌های جبرانی مساعد به حال اوست، ترجیح دهد. ممکن است قواعد آیین دادرسی دادگاه خارجی از قبیل قابلیت تحصیل دلیل و حضور هیئت منصفه برای خواهان مطلوب باشد. به همین دلیل در بسیاری مواقع با اینکه قواعد افراطی صلاحیت وجود دارند، خوانندگان امریکایی در پی حضور در دادگاه فرانسوی و خوانندگان فرانسوی نیز علاقه‌مند به دادخواهی در دادگاه‌های امریکا هستند (Palmer, 2004, p.12).

۳.۴. قلمرو باقیمانده از ماده ۱۴ قانون مدنی

در نتیجه محدودیت‌ها و ملاحظات فراوان، استناد به ماده ۱۴ قانون مدنی معمولاً به دعوی راجع به احوال شخصیه از جمله رابطه زوجین یا وضعیتی که خواننده دارای اموالی در فرانسه باشد، محدود شده است. وجود مال، رابطه مستمر میان ماده ۱۴ صلاحیت و دادگاه محل وقوع مال را تبیین می‌کند.^۱ در زمان اصلاح قانون مدنی در سال ۱۹۴۰م، کمیسیون دولت به این دلیل با حذف این ماده مخالفت کرد که در عمل خواهان‌ها وقتی به این نوع صلاحیت استناد می‌کنند که خواننده واجد اموالی در فرانسه باشد. به‌طور کلی صلاحیت توقیفی نسبت به اموال بدهکار خارجی در زمان تصویب قانون مدنی فرانسه یکی از انواع صلاحیت‌های رایج در این کشور بود؛ به‌طوری که اگر اجرای رای در داخل کشور امکان‌پذیر بود، اتباع فرانسوی حق دادخواهی را در داخل کشور داشتند (Clermont, 2006, p.494).

به این ترتیب، ماده ۱۴ صلاحیت، یک نوع صلاحیت شخصی مبتنی بر محل وقوع مال است. شکلی که در آلمان درباره محل وقوع مال رایج است، اما دادگاه‌های فرانسه آن را به

خواهان‌های معین محدود کرده‌اند. خواهان‌های فرانسوی از این ماده برای دسترسی به اموال خارجی‌ان و ایجاد ابزار فشار بر آن‌ها استفاده می‌کردند. این صلاحیت توقیفی درجایی که خواننده هیچ‌گونه تماس دیگری با مرجع رسیدگی ندارد و دعوی کاملاً با مال بازداشت‌شده بی‌ارتباط است، غیرمنصفانه به نظر می‌رسد. از سوی دیگر ظاهر قانون به هیچ‌وجه محدود به خوانندگان دارای اموال واقع در فرانسه نیست و یک نوع صلاحیت شخصی علیه خواننده است که نسبت به همه اموال و دارایی او اعمال می‌شود (Clermont, 2006, p.498).

اهمیت ماده ۱۴ صلاحیت خصوصاً بر اثر الحاق فرانسه به اتحادیه اروپا و تصویب آیین‌نامه بروکسل یک درباره صلاحیت و شناسایی احکام خارجی بیشتر شده است و خوانندگان خارجی بیشتر از گذشته در معرض تهدیدات ناشی از صلاحیت افراطی قرار گرفته‌اند.

۵. صلاحیت افراطی در اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا برخی مقررات لازم‌الاجرا را در خصوص صلاحیت و شناسایی و اجرای احکام خارجی تصویب کرده است که برای دادگاه‌های داخلی همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا الزام‌آور است. مهم‌ترین آن‌ها آیین‌نامه ۲۰۰۱/۴۴ است که در امور مدنی و تجاری اعمال می‌شود. این آیین‌نامه که جایگزین کنوانسیون ۱۹۶۸م بروکسل شده است، زمانی اعمال می‌شود که خواننده در یک کشور عضو اتحادیه اروپا اقامت داشته باشد.

یکی از اهداف آیین‌نامه، ایجاد قواعد و مبانی صلاحیت بر اساس عوامل ارتباط متحده‌الشکل و منصفانه است. خواننده باید در محلی از خود دفاع کند که دعوی با آن محل به اندازه کافی مرتبط باشد. قاعده کلی صلاحیت در ماده ۲ بر مبنای اقامتگاه خواننده در یک کشور عضو است و تابعیت خواننده اهمیتی ندارد؛ بنابراین یک تبعه روسی مقیم آلمان بر طبق مقررات آیین‌نامه بروکسل یک در دادگاه‌های آلمان تحت تعقیب قرار می‌گیرد. عدم تبعیض بر مبنای تابعیت علیه خوانندگان مقیم در یک کشور عضو از ماده ۱۲ معاهده جامعه اروپایی و از رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی استنباط می‌شود. بند ۲ ماده ۳ آیین‌نامه متضمن اعمال نشدن قواعد صلاحیت ملی و داخلی کشورها مندرج در ضمیمه یک علیه خواننده مقیم در یک کشور عضو است. قواعد مندرج در ضمیمه یک، همان قواعد افراطی صلاحیت است که برای مثال بر تابعیت خواهان، حضور موقت خواهان یا توقیف مال در کشور محل دادگاه مبتنی است.

اما اگر خواننده خارج از کشورهای عضو آیین‌نامه اقامت داشته باشد، به‌موجب ماده ۴ آیین‌نامه^۱، قواعد صلاحیت ملی کشورهای عضو از جمله قواعد صلاحیت افراطی مندرج در ضمیمه یک درباره وی اعمال می‌شود، ولی رای صادره علیه این خواننده در همه کشورهای عضو بر اساس آیین‌نامه بروکسل یک، شناسایی و اجرا خواهد شد. محدوده شناسایی و اجرا به صدور رای بر مبنای اقامتگاه خواننده وابسته نیست، فقط لازم است که رای موضوع شناسایی از دادگاه یک کشور عضو آیین‌نامه صادر شده باشد. این به آن معناست که رای صادره علیه خواننده‌ای که خارج از اتحادیه اروپا اقامت دارد و صلاحیت دادگاه مبتنی بر قواعد افراطی ملی بوده است، شناسایی و اجرا می‌شود؛ به‌طوری‌که صلاحیت دادگاه کشور عضو که صادرکننده رای است، از سوی دادگاه محل شناسایی بازنگری نمی‌شود (O'Brien, 1999, p.232).

ویژگی مهم سیستم آیین‌نامه بروکسل در این است که اگرچه در پی حمایت از خوانندگان در مقابل صلاحیت افراطی است، اما این حمایت فقط نسبت به خواندگانی اعمال می‌شود که در کشورهای عضو اتحادیه اروپا اقامت دارند. خوانندگان مقیم در کشورهای دیگر جهان تابع قواعد صلاحیت ملی و احتمالاً افراطی کشورهای عضو هستند، اما رای صادره علیه آنها بر اساس آیین‌نامه شناسایی و اجرا می‌شود. مهم‌ترین اثر بند ۲ ماده ۴ آیین‌نامه این است که محدوده اعمال ماده ۱۴ قانون مدنی فرانسه را به اتباع خارجی مقیم فرانسه تعمیم داده است؛ یعنی اینکه شهروند انگلیسی مقیم فرانسه می‌تواند علیه خواننده ژاپنی مقیم کشور ژاپن در فرانسه اقامه دعوی کند و دادگاه‌های فرانسه مکلف به رسیدگی هستند، حتی اگر دعوی به‌طور انحصاری به ژاپن مربوط باشد. دیگر اینکه دادگاه‌های کشورهای دیگر عضو آیین‌نامه، از قبیل آلمان و انگلیس، به شناسایی و اجرای رای صادره ناگزیرند؛ اگرچه بر مبنای افراطی صادر شده باشد. فقط کافی است که رای در چارچوب امور مدنی و بازرگانی باشد (Hartley, 2009, p.23).

۶. صلاحیت افراطی در حقوق ایران

در حقوق ایران قواعد صلاحیت بین‌المللی همان قواعد صلاحیت در دعاوی داخلی است که در قانون آیین دادرسی مدنی مندرج است. جز در موارد استثنایی مانند دادرسی موازی و ایراد

1. Article 4

1. If the defendant is not domiciled in a Member State, the jurisdiction of the courts of each Member State shall, subject to Articles 22 and 23, be determined by the law of that Member State. 2. As against such a defendant, any person domiciled in a Member State may, whatever his nationality, avail himself in that State of the rules of jurisdiction there in force, and in particular those specified in Annex I, in the same way as the nationals of that State.

امر مطرح شده که بر اساس ماده ۹۷۱ قانون مدنی مضمول حکم خاص قرار گرفته است، در سایر موارد همان قواعد و مبانی صلاحیت که در حقوق داخلی متداول است (از قبیل دادگاه محل اقامت خواننده، محل انعقاد و اجرای عقد و دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول)، در دعاوی واجد عنصر فرامرزی هم اعمال می‌شود.

یکی از مصادیق صلاحیت افراطی در دکتترین‌های حقوقی، صلاحیت مبتنی بر دادگاه محل اقامت خواهان است. ضمیمه یک آیین‌نامه بروکسل یک، اعمال چنین صلاحیتی را به‌عنوان نوعی صلاحیت افراطی ممنوع اعلام کرده است. بند ۳ ماده ۱۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی هلند مصداق این نوع از صلاحیت است. این قاعده از یک سو مضیق‌تر از ماده ۱۴ قانون مدنی فرانسه است، زیرا اتباع هلند مقیم در خارج نمی‌توانند از این قاعده استفاده کنند. اما از سوی دیگر موسع‌تر از آن است؛ به‌طوری که همه اشخاص مقیم در هلند اگرچه تابعیت هلندی نداشته باشند، می‌توانند از این قاعده بهره ببرند (Clermont, 2006, p.502).

این نوع از صلاحیت در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران هم وجود دارد و در قسمت اخیر این ماده به خواهان اجازه داده شده است تا در دادگاه محل اقامت خود اقامه دعوی نماید.

ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی درباره صلاحیت دادگاه محل انعقاد قرارداد، یکی دیگر از مصادیق صلاحیت افراطی شمرده می‌شود. در وضع این قاعده صلاحیت ملاحظاتی سیاسی و حمایت از اتباع داخلی مورد نظر نبوده است. انتقادات راجع به این قاعده به دلیل ارتباط بسیار ضعیفی است که اصحاب قرارداد با دادگاه محل وقوع عقد دارند. اگر غیر از انعقاد قرارداد در حوزه محل دادگاه، رابطه حقوقی موضوع دعوی هیچ ارتباطی با محل دادگاه نداشته باشد، اعمال قاعده صلاحیت مبنای منطقی ندارد.

از دیدگاه پروفیسور مان، این قاعده صلاحیتی مطمئناً افراطی بوده و احتمالاً مغایر با معیارهای بین‌المللی است و واقعاً باید در تناسب آن به‌عنوان یک قاعده صلاحیت قضایی در جامعه مدرن تردید کرد (Mann, 1984, p.70). به‌نظر می‌رسد که مکان خاص که به‌طور تصنعی به‌عنوان مکان تشکیل قرارداد تعبیر می‌شود، در قراردادهای برون‌مرزی مبنای نامناسبی برای ادعای صلاحیت قضایی است. تنها زمانی می‌توان برای محل تشکیل قرارداد اهمیت قائل شد که هر دو طرف در محل قرارداد حاضر باشند. دیگر اینکه ضابطه محل تشکیل قرارداد باید تنها در جایی اعمال شود که طرفین آگاهانه در هنگام انعقاد قرارداد در محل واحدی هستند (Jerker, 2007, p.365).

برخی کشورها از صلاحیت افراطی بر مبنای رفتار متقابل استفاده می‌کنند و آن را تنها بر اتباع دولتی اعمال می‌کنند که بر اساس مبانی افراطی پیش‌گفته بر اتباع دولت محل دادگاه

اعمال کرده است. این کشورها تمایل به اعمال صلاحیت افراطی ندارند، بلکه دیگران را از اعمال آن منع می‌کنند. به عبارت دیگر، صلاحیت افراطی را به‌عنوان یک ابزار رفتار متقابل به‌کار می‌گیرند. بلژیک، پرتغال و ایتالیا چنین روشی را اعمال می‌کنند (Clermont, 2006, p.504). نمونه‌ای از صلاحیت بر مبنای اقدام متقابل در حقوق ایران با تصویب «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» در سال ۱۳۷۸ش و قانون اصلاحیه آن در سال ۱۳۷۹ش پدید آمد. برابر این قوانین، نهاد خسارت تنبیهی به صورت ناقص و به‌عنوان اقدامی متقابل، وارد سیستم حقوقی ایران شد. با تصویب این قوانین، محاکم ایران طی آرای زیادی علیه دولت خارجی (تاکنون تنها علیه کشور امریکا) حکم به خسارت تنبیهی صادر کردند.

این قوانین حداقل به‌طور مستقیم به موضوع صلاحیت ارتباط ندارد، اما بدیهی است که دادگاه در مقام اعمال این قانون باید ابتدا صلاحیت خود بر اساس یکی از قاعده‌های موجود احراز نماید. این صلاحیت بر مبنای حکم مستقیم قوانین پیش‌گفته قابل توجیه است. از آنجا که وضع چنین صلاحیتی به‌شدت از منافع سیاسی و حمایت از اتباع داخلی متأثر است و ارتباط منطقی میان دعوی و دادگاه در اعمال این صلاحیت وجود ندارد، بنابراین می‌توان آن را یکی از قواعد افراطی صلاحیت محسوب کرد.

۷. نتیجه

نبود ارتباط کافی میان دادگاه و دعوی مطرح‌شده سبب اصلی ایجاد صلاحیت افراطی است. بسیاری از قواعد افراطی صلاحیت، اعم از صلاحیت مبتنی بر تابعیت فرانسه یا صلاحیت عبوری ایالات متحده آمریکا، یک هدف مشترک دارند و آن اعطای حق دادرسی به اتباع دولت محل دادگاه در مراجع قضایی داخلی است؛ اگرچه موجب نادیده گرفتن منافع خواننده دعوی باشد. به دلیل منافع سیاسی ناشی از صلاحیت افراطی و باوجود هم‌گرایی فزاینده کشورها در امور حقوق بین‌الملل خصوصی، همچنان قواعد غیرمنصفانه صلاحیت افراطی باقی مانده است. درواقع شکل افراطی صلاحیت بر تحقق منافع سیاسی بدون توجه به منافع اصحاب دعوی مبتنی است.

به‌طور معمول دولت‌ها منتقد قواعد افراطی صلاحیت در کشورهای دیگر هستند، اما قواعد افراطی خود را نادیده می‌گیرند. در فرانسه باوجود همه تأکید حقوق این کشور بر مفهوم انصاف، همچنان صلاحیت افراطی مبتنی بر تابعیت باقی مانده و در سایه اجرای آیین‌نامه اروپایی بروکسل یک، گسترش یافته است.

در ایالات متحده قبل از وضع معیار حداقل تماس در سال ۱۹۴۵م از سوی دیوان عالی ایالات متحده، حاکمیت سرزمینی شاخص اصلی صلاحیت محسوب می‌شد. پس از آن، معیار صلاحیت بر روی اصحاب دعوی و رابطه میان آنان با دادگاه متمرکز شد. اما در عمل، دادگاه‌ها با تفسیر موسع از معیار حداقل تماس، اعمال صلاحیت‌های افراطی ناشی از عبور یا توقیف اموال را توجیه، و همان قواعد مورد انتقاد گذشته را حفظ کردند.

راه حل مشکل صلاحیت افراطی از یک سو در بازنگری قواعد صلاحیت در داخل کشورها نهفته است. بسیاری از قواعد صلاحیت که محصول قرن‌های گذشته است، در جهان کنونی مطلوبیت یا توجیه منطقی خود را از دست داده است و مبین هیچ‌گونه ارتباطی میان دادگاه و دعوی مطرح شده نیست. از سوی دیگر به دلیل بدبینی نسبت به مراجع قضایی خارجی و ضرورت حمایت از اتباع داخلی و نیز ارتباط عمیق میان مسئله صلاحیت و حاکمیت دولت‌ها تا زمان انعقاد معاهده بین‌المللی درباره توزیع صلاحیت، امید چندانی به نابودی کامل صلاحیت افراطی وجود ندارد و صرفاً در عمل در روابط مودت‌آمیز میان برخی کشورها از اجرای چنین صلاحیتی خودداری می‌شود؛ همان‌طور که هم‌اکنون در فرانسه از صلاحیت مبتنی بر تابعیت در مقابل اتباع ایالات متحده به‌ندرت استفاده می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. السان، مصطفی (۱۳۸۵). بررسی نحوه تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی. مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره نوزدهم.
۲. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل خصوصی. چاپ سوم، نشر میزان.
۳. شمس، عبدالله (۱۳۸۰). آیین دادرسی مدنی. جلد اول، چاپ اول، نشر میزان.
۴. صفایی، سیدحسین (۱۳۸۸). مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی. چاپ دوم، بنیاد حقوقی میزان.
۶. غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی فراملی. چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.
۷. کریم‌کاشی، رضا (۱۳۹۰). شرایط اجرای حکم خارجی بر مبنای امر مختوم. مجله اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال هشتم، شماره هجدهم.

ب) خارجی

8. Clermont, Kevin (2006) Exorbitant Jurisdiction, *Maine Law Review*, Vol. 58:2
9. Eng, Emily (2012) A New Paradigm: Domicile As The Exclusive Basis For The Exercise Of General Jurisdiction Over Individual Defendants, *Cardozo Law Review*, Vol. 32:845
10. Freer, Richard (2013) American and European Approaches to Personal Jurisdiction Based Upon Internet Activity, *Emory University School of Law, Public Law & Legal Theory Research Paper Series*, Research Paper No. 07-15, <http://ssrn.com/abstract=1004887>
11. Grossi, Simon (2012) Rethinking the Harmonization of Jurisdictional Rules, *Tulane Law Review*, Vol. 86:623
12. Gottschalk, Eckart (2007) *Conflict of Laws in a Globalized World*, Cambridge University Press
13. Hartley, Trevor (2009) *International Commercial Litigation*, Cambridge University Press

14. <http://curia.europa.eu/common/recdoc/convention/en/c-textes/2001r0044.htm> Last visited 2014/6/1.
15. Jerker, Dan (2007) *Private International Law and Internet*, Kluwer international Law, First edition.
16. Magnus Ulrich, Mankowski Peter (2007) *European Commentaries on Private International Law, Brussels I Regulation*, Sellier. European Law Publishers.
17. Mills, Alex (2009) *the Confluence of Public and Private International Law*, Cambridge University Press.
18. O'Brien, John (1999) *Conflict of Laws*, Second Edition, Cavendish Publishing Limited.
19. Parrish, Austen (2006) *Sovereignty, Not Due Process: Personal Jurisdiction over Nonresident Alien Defendant*, Wake Forest Law Review, Volume 41.
20. Palmer, John R.B., Clermont, Kevin M, (2004) *French Article 14 Jurisdiction*, Viewed from the United States. Cornell Law Faculty Publications. Paper 13, http://scholarship.law.cornell.edu/lrsp_papers/13.